انترناسیونال 810

چند سئوال از علی جوادی

**در باره "طرح شورای رهبری اپوزیسیون" نیروهای راست**

اخیرا تلویزیون کانال یک با همراهی برخی از احزاب دست راستی، از جمله حزب مشروطه ایران و حزب سکولار دمکراسی، طرحی تحت عنوان "شورای راهبردی گذار از جمهوری اسلامی" را تهیه کرده است. برای تعیین افراد این "شورا" لیستی از چهره ها و شخصیتهای سیاسی، هنری، و رسانه ای، چه در خارج کشور و چه در داخل کشور، تهیه شده است. قرار است که از میان این افراد در یک پروسه انتخاباتی دو مرحله ای پانزده تن بمثابه اعضای این شورا "انتخاب" شوند. چهره های متعددی در این لیست اولیه قرار دارند، از رضا پهلوی گرفته تا مریم رجوی تا علی جوادی و مینا احدی و چهره های متعدد دیگری. میخواهند این "شورا" را به عنوان رهبری اپوزیسیون حکومت اسلامی در مقابل جامعه قرار دهند. نظر علی جوادی را در این زمینه جویا میشویم.

**انترناسیونال:** چگونه در این لیست قرار گرفتید؟ آیا تمایلی به ماندن در این لیست و چنین "انتخاباتی" دارید؟

**علی جوادی:** از قرار "علاقمندان" میتوانستند یا خود را کاندید کنند یا دیگران کاندیدشان کنند. من نه خودم را کاندید کردم، نه کسی را میشناسم که من را کاندید کرده و به من خبر داده باشد.

پرسیده اید که آیا تمایلی به ماندن در این "لیست" و چنین "انتخاباتی" دارم، پاسخ من یک "نه" قاطع، روشن و صریح است. نه، من تمایلی به ماندن در چنین "انتخاباتی" ندارم!

در اینجا لازم است یاد آوری کنم که نام مینا احدی هم در این لیست قرار داده شده است. ایشان هم خواهان حذف نام خود از این لیست است.

**انترناسیونال:** چرا خواهان خارج شدن از چنین پروسه ای هستید؟ خودتان را از دسترس "انتخاب" مردم محروم نمیکنید؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! من خواهان خارج شدن از این لیست هستم، چرا که چنین "پروسه ای" را اصولا فرمایشی و تماما غیر اصولی میدانم. این "انتخابات" نیست. نه انتخاب کنندگان نماینده واقعی توده مردم سرنگونی طلب هستند و نه توده مردم سرنگونی طلب امکان رای دهی و یا دخالت در چنین پروسه ای را دارند و نه رهبری جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در چنین پروسه هایی شکل میگیرد. شاید برخی از کسانی که با کانال تلویزیونی معینی (کانال یک) آشنایی دارند، بتوانند و یا بخواهند در این پروسه شرکت کنند. اما اکثریت عظیم توده مردم، تمامی کسانیکه خارج از این مجموعه قرار میگیرند، امکان دخالت در چنین پروسه ای را ندارند. همین نکته برای بی اعتبار قلمداد کردن چنین طرحهایی کافی است.

آیا ما با نقد این پروسه فرمایشی خودمان را از دسترس "انتخاب" مردم خارج نمیکنیم؟ هرگز. پاسخ ما روشن است. ما اتفاقا برای کسب اعتماد و آراء توده مردم پیگیرانه تلاش میکنیم. ما عمیقا بر این باوریم که جنبش ما، تنها اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانیت است. بخش عمده ای از فعالیت روزمره ما معطوف به دعوت از توده مردم سرنگونی طلب به این اردو است. ما در تلاشمان برای سازماندهی هر اعتراضی، در تلاشمان برای شکل دادن به هر تشکلی، در فعالیتهای تبلیغاتی و ترویجی مان، در تمامی جدلها و مبارزاتمان، در تمامی اجلاسها و نشستهایمان، برای این هدف تلاش میکنیم. برای این تلاش میکنیم که خود را در دسترس توده های کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب قرار دهیم. این تنها پروسه واقعی و مبارزاتی است. تلاش ما نشان دادن حقانیتمان در پروسه های مبارزاتی و سیاسی است. اگر انتخابی صورت میگیرد، در این راستا است. این پروسه در عین حال نشاندهنده یک وجه از تمایز مهم ما با نیروهای راست جامعه است. جریانات راست میکوشند با توسل به "نمایش" های "انتخاباتی" کاذب مشروعیتی برای خود دست و پا کنند. اتفاقا نقد این پروسه های فرمایشی اقدامی موثر در جهت پیشبرد جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم است.

**انترناسیونال:** آیا چنین "انتخاباتی" دارای هیچ نوع مشروعیتی نیستند؟ آیا هیچ حقیقتی را در باره رای و آراء رای دهندگان و جامعه بیان نمیکند؟

**علی جوادی:** این پروسه به لحاظ آماری فاقد هر گونه اعتباری است. چرا که در این جا "مشت نمونه خروار" نیست. این نمونه آماری (رای دهندگان فرضی) بهیچوجه مختصات سیاسی و آمال توده مردم رای دهنده، یعنی جمعیت رای دهنده، را نمایندگی نمیکنند. هرگونه نمونه برداری از این نوع و با این روشها فاقد هرگونه اعتبار آماری بوده و بهیچوجه نشانگر تمایل جمعیت آماری مورد نظر نیست.

از طرف دیگر، این نوع نمونه برداری ها و یا "انتخابات" بهیچوجه با سنجش های عمومی که در جوامع غربی صورت میگیرد قابل مقایسه نیست. در هر گونه سنجش آماری (مثلا انتخابات ریاست جمهوری)، نمونه برداری از جمعیت مورد نظر، با دقت بالای ریاضی صورت میگیرد. بطوریکه نمونه مورد ارزیابی مختصات سیاسی پدیده مورد نظر را به درجات بالایی نمایندگی میکند. در این سنجش ها معمولا "مشت نمونه خروار" است. علم آمار و ریاضی را باید از شبه علم جدا کرد. با توسل به روشهای آماری کاذب تاکنون ادعاهای پوچ بسیاری شده است.

خلاصه کنم، این نوع "انتخابات" هیچ نوع مشروعیت سیاسی و علمی ندارند. تردید دارم از جانب جامعه هم جدی گرفته شود.

**انترناسیونال:** آیا این تلاشی برای تامین "رهبری" گذار از جمهوری اسلامی نیست؟ ارزیابی سیاسی تان از جایگاه چنین تلاشهایی چیست؟

**علی جوادی:** تامین رهبری "گذار" از جمهوری اسلامی یک مساله واقعی و حیاتی است. فرمایشی نیست، کاذب نیست. سئوال اتفاقا این است که کدام پروسه های سیاسی و اجتماعی میتوانند به تامین رهبری جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم منجر شوند؟ پاسخ هر چه باشد، مسلما رهبری از کانال چنین "انتخابات" فرمایشی نه تامین میشود و نه شکل میگیرد. چنین "رهبری" فاقد هرگونه مشروعیت و قدرت عملی است.

من تردیدی ندارم که حتی مبتکران چنین پروژه فرمایشی، در خلوت خودشان، آنجا که با خیال راحت میتوانند حرف دلشان را زمزمه کنند، میدانند که این پروسه ها واقعی نیست، جدی نیست. واکنشی هم ایجاد نخواهد کرد. این اقدامات گوشه ای از تلاش برای ظاهر مقبول بخشیدن به پروژه راست در جامعه است.

اما این تنها "ابتکارشان" نیست. توجه کنید، این جریانات میخواهند فرزند ذکور یک شاه سرنگون شده را با ظاهر "انتخاباتی" مجددا به خورد جامعه دهند. این پروژه بمراتب سخت تر و پیچیده تر از "انتخاب" رهبری "گذار از جمهوری اسلامی" است.

بعلاوه اینها صحبت از "گذار از" و نه سرنگونی رژیم اسلامی میکنند. با طرح "گذار" از جمهوری اسلامی دارند طرح کذایی "رفراندم" برای "گذار" از جمهوری اسلامی را خجولانه پیش میکشند.

**انترناسیونال:** اما حتما موافقید که مساله تامین رهبری مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی یک معضل اساسی در شرایط کنونی است. راه حل و پروسه واقعی کدام است؟ چگونه بطور واقعی میتوان این رهبری را تامین کرد؟

**علی جوادی:** رهبری جنبش سرنگونی توده های مردم حاصل مخرج مشترک گرفتن میان نیروهای نا متجانس راست و چپ نیست. حاصل "همه با هم" از نوع خمینی و امثالهم نیست. حاصل "انتخابات" فرمایشی و کاذب هم نیست. برعکس، حاصل دست بالا پیدا کردن و هژمونی یک جنبش اجتماعی سیاسی معین در جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم است. حاصل این است که مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی در کلیت خود به کدام آلترناتیو روی می آورند. آلترناتیو راست یا چپ؟ آیا به بالا و غرب و سیاست جنگ و تحریم اقتصادی متوسل میشوند؟ یا بر عکس میکوشند با اتکاء به جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه، جنبش شورایی کارگری، جنبش آزادی و رهایی زن، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان و ... خود را از شر جمهوری اسلامی خلاص کنند؟ کدامیک؟ اینکه کدام آلترناتیو دست بالا را پیدا میکند، به همان اعتبار هم احزاب، چهره ها و شخصیت های این جنبشها در راس جنبش سرنگونی طلبانه جامعه قرار میگیرند و امکان واقعی رهبری کردن جنبش سرنگونی طلبانه را پیدا میکنند.

از این روست که ما میکوشیم به نماینده نه مردم علیه فقر و فلاکت و نابرابری و تبعیض و اسلام و حجاب تبدیل شویم. ما میکوشیم نماینده نه قاطع و همه جانبه به کلیه مناسبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه باشیم. رهبری جنبش سرنگونی در چنین پروسه های شکل میگیرد!